**ترجمه تفسير الميزان    ج‏17    510**

[توضيحى در باره وعده خدا به استجابت دعا و معنى و وجه اينكه خزنه جهنم در جواب التماس دعاى دوزخيان مى‏گويند:" فَادْعُوا وَ ما دُعاءُ الْكافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلالٍ"]

" وَ قالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْماً مِنَ الْعَذابِ" اين آيه شريفه حكايت گفتگوى دوزخيان- كه آل فرعون هم جزو ايشانند- با خازنان جهنم است، كه خداى سبحان آن را دنبال داستان آل فرعون آورده. و اگر دوزخيان از خازنان جهنم التماس دعا مى‏كنند، چون از استجابت دعاى خود مايوسند.

و مراد از" يَوْماً مِنَ الْعَذابِ" يك روز از روزهاى دنيا نيست، بلكه يك روز از روزهاى عالم خودشان است كه در نتيجه معنايش اين مى‏شود: از خدا بخواهيد پاره‏اى از عذاب جهنم را بر ما تخفيف دهد.

" قالُوا أَ وَ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّناتِ قالُوا بَلى‏ قالُوا فَادْعُوا وَ ما دُعاءُ الْكافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلالٍ" خازنان دوزخ در پاسخشان مى‏گويند: مگر پيامبران خدا با بينات و براهين و معجزات به سوى شما نيامدند؟ در جواب مى‏گويند: چرا، آمدند. و همين خود اعترافى است از ايشان به اينكه به انبيا كفر ورزيدند، در عين اينكه به حقانيت آنان علم داشتند و اين خود كفر به مساله نبوت است و به همين جهت خازنان دوزخ ديگر در باره درخواست آنان چيزى نگفتند كه ما دعا مى‏كنيم يا نمى‏كنيم، بلكه گفتند: خودتان دعا كنيد و در ضمن متوجهشان كردند كه دعايشان مستجاب نيست.

و معناى اينكه گفتند:" وَ ما دُعاءُ الْكافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلالٍ"، اين است كه دعاى كفار در جو و شرايطى است كه ضلالت و بى‏فايدگى از هر سو حكمفرما است، در نتيجه چنين دعايى به هدف اجابت نمى‏رسد. و اين جمله تتمه كلام خازنان دوزخ است، البته اين چيزى است كه از سياق استفاده مى‏شود و گرنه احتمال بعيدى هست كه جزو كلام خداى تعالى باشد.

و اين جمله چه از خازنان دوزخ باشد و چه از خداى متعال، معناى تعليل را مى‏دهد و حاصل معنايش اين است كه: خود شما دعا كنيد، ولى دعاى شما مستجاب نمى‏شود، چون كافريد و دعاى كافر مستجاب شدنى نيست.

ترجمه تفسير الميزان، ج‏17، ص: 511

و ارتباط دادن عدم استجابت را به وصف كفر، خود اشعار به عليت كفر دارد. حال خواهى گفت: چرا دعاى كافر مستجاب نمى‏شود؟ مى‏گوييم: براى اينكه هر چند خداى سبحان وعده قطعى داده كه دعاى هر كس از بندگانش را كه او را بخواند مستجاب كند، و فرموده:" أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ"[[1]](#footnote-1) و دعا در صورتى كه حقيقتا دعا باشد، به هيچ وجه رد نمى‏شود.

و ليكن آنچه كه در متن اين وعده به عنوان قيد آمده اين است كه اولا دعا، دعا و طلب حقيقى باشد، نه بازى و شوخى، و ثانيا ارتباط آن حقيقتا به خدا باشد، يعنى دعا كننده تنها از خدا حاجت بخواهد و در اين خواستنش از تمامى اسبابهايى كه به نظرش سبب هستند منقطع گردد.

و كسى كه به عذاب آخرت كفر مى‏ورزد و آن را انكار مى‏كند، و حقيقت آن را مى‏پوشاند، نمى‏تواند رفع آن را به طور جدى از خدا بخواهد، چون اين خواستنش يا در دنيا است كه جدى نبودن آن خيلى روشن است و يا در آخرت است، در آنجا هم هر چند عذاب را به چشم مى‏بيند، (و با همه ظاهر و باطنش لمس مى‏كند)، و از شدت آن به ناچار از هر سبب ديگر منقطع شده، تنها متوسل به خداى سبحان مى‏شود و ليكن آن ملكه انكارى كه از دنيا به همراه خود آورده، و بال و طوق لعنتى شده كه هرگز از او جدا نمى‏شود، و آتشى كه در آن است جزاى همان انكار است، در نتيجه نمى‏گذارد رفع چيزى را كه منكرش بوده به طور جدى از خدا بخواهد.

علاوه بر اين، سخن در باره انقطاعش از سببها و توسلش به خداى تعالى، همان سخنى است كه در طلب جدى‏اش گفتيم، همانطور كه او نمى‏تواند بطور جدى دعا كند همچنين نمى‏تواند بطور جدى از سببهاى ديگر بريده و متوسل به خداى عزيز گردد و چگونه مى‏تواند چنين توسلى جدى داشته باشد؟ با اينكه در دنيا آن را كسب نكرده بود- دقت بفرماييد.

از اينجا پايه ضعف استدلال بعضى‏[[2]](#footnote-2) از مفسرين روشن مى‏شود كه به اين آيه استدلال كرده‏اند بر اينكه دعاى كافر مطلقا مستجاب نيست، چون توجه فرموديد كه آيه شريفه نمى‏خواهد بفرمايد دعاى كافر بطور كلى مستجاب نيست بلكه مى‏خواهد بفرمايد: دعاى او در

ترجمه تفسير الميزان، ج‏17، ص: 512

خصوص آنچه كه در دنيا منكر آن بوده مستجاب نيست، و گرنه در ساير حوائج چرا مستجاب نباشد؟ با اينكه آيات بسيارى از قرآن كريم اين معنا را خاطرنشان مى‏سازد كه خداى سبحان در موارد اضطرار دعاى كفار را هم مستجاب كرده است.

" إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ" كلمه" اشهاد" جمع" شهيد" است، البته شهيد به معناى شاهد. و آيه شريفه وعده‏اى نوعى مى‏دهد، نه وعده شخصى و براى يك يك اشخاص انبيا و تك تك وقايعى كه براى آنان پيش مى‏آيد. و در سابق در تفسير آيه‏" إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ"[[3]](#footnote-3) در باره معناى نصرت الهى بيانى گذرانديم.

" يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ" اين آيه تفسيرى است براى‏" يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ". و ظاهر اينكه مصدر را بر فاعل آن اضافه كرده و فرموده" معذرتهم- معذرتشان" و نفرموده:" ان يعتذروا- اينكه عذر بخواهند"، اين است كه در آن روز به نوعى معذرت خواهند خواست، و اما اينكه در سوره مرسلات فرموده‏" هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ"[[4]](#footnote-4)، مربوط به بعضى از مراحل روز قيامت است، و بايد آن را اينطور معنا كنيم، براى اينكه آيات ديگرى هست كه دلالت مى‏كند بر اينكه روز قيامت مردم تا اندازه‏اى حرف مى‏زنند.

" وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ"- يعنى ايشان دورى از رحمت خدا را دارند." وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ" يعنى و ايشان خانه بدى دارند كه عبارت است از جهنم.

" وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْهُدى‏ وَ أَوْرَثْنا بَنِي إِسْرائِيلَ الْكِتابَ‏ ... لِأُولِي الْأَلْبابِ" اين آيه خاتمه سرگذشتى است كه قبلا از موسى (ع) و فرستادن او با معجزات و براهين روشن و مجادله آل فرعون به باطل و احتجاج مؤمن آل فرعون، بيان كرده بود، در اين خاتمه كه با لام قسم آغاز شده، به حقانيت ماموريت موسى و ظلم فرعونيان در مقابل او اشاره مى‏فرمايد:

و مراد از كلمه" الهدى" دينى است كه موسى آورد. و مراد از ارث دادن كتاب به بنى اسرائيل اين است كه تورات را در بين آنان باقى گذاشت، تا بدان عمل كنند و به وسيله‏

ترجمه تفسير الميزان، ج‏17، ص: 513

آن هدايت شوند.

و معناى جمله‏" هُدىً وَ ذِكْرى‏ لِأُولِي الْأَلْبابِ" اين است كه: ما اين كتاب را در بنى اسرائيل باقى گذاشتيم، در حالى كه هدايتى بود كه عوام آنها مى‏توانستند با آن هدايت شوند و تذكرى بود كه خواص و خردمندان آنها مى‏توانستند با آن متذكر گردند.

بحث روايتى [ (رواياتى در باره: تقيه، تفويض امر به خدا، و اينكه فرعونيان هر صبح و شام بر آتش عرضه مى‏شوند)]

در كتاب علل به سند خود از اسماعيل بن منصور ابى زياد، از مردى از امام صادق (ع) روايت كرده كه گفت از امام صادق (ع) از كلام فرعون كه به حكايت قرآن كريم گفته بود" ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسى‏"، پرسيدم: كه چطور شود موسى (ع) را نكشت؟ فرمود: براى اينكه زنازاده نبود و انبيا و اولاد انبيا را نمى‏كشند مگر فرزندان زنا[[5]](#footnote-5).

و در مجمع البيان مى‏گويد: امام صادق (ع) فرمود: تقيه دين من و دين پدران من است. كسى كه تقيه ندارد، دين ندارد. و تقيه سپر خدا است در زمين، چون مؤمن آل فرعون، اگر اظهار اسلام مى‏كرد كشته مى‏شد[[6]](#footnote-6) (و ديگر نمى‏توانست در چنين مجلسى حساس از موسى و دعوتش دفاع كند).

مؤلف: روايات از طرق شيعه در باب تقيه بسيار است، آيات قرآن هم مؤيد آنها است، مانند آيه‏" إِلَّا أَنْ‏ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً"[[7]](#footnote-7)، و آيه‏" إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمانِ"[[8]](#footnote-8).

و در محاسن به سند خود از ايوب بن حر، از امام صادق (ع) روايت كرده كه در ذيل آيه‏" فَوَقاهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا" فرموده: اين آيه نمى‏خواهد بفرمايد: خدا نگذاشت آل فرعون آن مرد مؤمن را به قتل برسانند، بلكه بر او حمله كردند و او را كشتند. آيا مى‏دانيد چه چيز را حفظ كرد! منظور آيه اين است كه خدا او را از اينكه در دينش شكست دهند حفظ فرمود[[9]](#footnote-9).

ترجمه تفسير الميزان، ج‏17، ص: 514

مؤلف: در معناى اين روايت روايات ديگرى هست، و در بعضى از رواياتى كه از طرق اهل سنت نقل شده، آمده كه: خدا او را از كشتن نجات داد.

و در خصال از امام صادق (ع) روايت كرده كه فرمود: من تعجب مى‏كنم از كسى كه از چهار چيز جزع و فزع مى‏كند و به چهار چيز پناه نمى‏برد- تا آنجا كه فرمود- و تعجب مى‏كنم از كسى كه فزع مى‏كند از اينكه مبادا دشمن به او مكر كند و نيرنگ بزند، ولى پناه نمى‏برد به آيه‏" وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ" براى اينكه مى‏شنوم كه خداى عز و جل دنبالش مى‏فرمايد:" فَوَقاهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا"[[10]](#footnote-10).

مؤلف: اين حديث در غير خصال نيز نقل شده.

و در تفسير قمى مى‏گويد: مردى به امام صادق (ع) عرضه داشت: شما در باره آيه‏" النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْها غُدُوًّا وَ عَشِيًّا" چه مى‏فرمايد؟ فرمود: بگو ببينم مردم چه مى‏گويند؟ عرضه داشت: مى‏گويند اين عذاب در آتش دوزخ است كه آتش خلد است، و ايشان در عين حال معذب به آن نمى‏شوند. حضرت فرمود: پس ايشان از سعدا هستند. شخص ديگرى عرضه داشت: فدايت شوم پس خودتان بفرماييد، كه چگونه است؟ فرمود: اين در دنيا است و اما در آخرت كه دار خلد است داخل در عذاب مى‏شود، هم چنان كه دنبالش فرموده:

" يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذابِ"[[11]](#footnote-11).

مؤلف: منظور امام (ع) از دنيا زندگى برزخ است كه تعبير از آن به دنيا در بسيارى از روايات اهل بيت آمده است.

و در مجمع البيان از نافع از ابن عمر روايت كرده كه گفت: رسول خدا (ع) فرمود: هر يك از شما كه بميرد، در هر صبح و شام جايگاهش را به او نشان مى‏دهند، اگر اهل بهشت باشد، جايگاهش از بهشت را و اگر اهل آتش باشد از آتش را نشانش مى‏دهند و مى‏گويند: اينجا جايگاه تو است تا وقتى كه خدا مبعوثت كند و بدينجا بيايى‏[[12]](#footnote-12).

بخارى و مسلم اين حديث را در صحيح خود آورده‏اند.

مؤلف: سيوطى هم در الدر المنثور از بخارى و مسلم، از ابن ابى شيبه و ابن مردويه اين حديث را آورده‏[[13]](#footnote-13). و اين مضمون در روايات ائمه اهل بيت (ع) بسيار وارد شده و بسيارى از آن روايات در بحث برزخ، در جلد اول اين كتاب و مواردى ديگر نقل شد.

[[14]](#footnote-14)

1. ( 1) من اجابت مى‏كنم دعاى دعا كننده را در صورتى كه مرا بخواند. سوره بقره، آيه 186. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 2) روح المعانى، ج 24، ص 76. [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 1) البته آنها بر كافران فتح و پيروزى يابند. سوره صافات، آيه 172. [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 2) امروز روزى است كه زبان نمى‏گشايند و اجازه‏شان نمى‏دهند كه معذرت خواهى كنند.

   سوره مرسلات، آيه 35- 36. [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 1) علل الشرائع، ج 1، ص 57، ح 1. [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 2) مجمع البيان، ج 8، ص 521. [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 3) مگر آنكه بخواهيد به نوعى از ايشان تقيه كنيد. سوره آل عمران، آيه 28. [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 4) مگر كسى كه مجبور شود و او را وادار به اظهار كفر كنند و او اظهار بكند، در حالى كه دلش مطمئن به ايمان باشد. سوره نحل، آيه 106. [↑](#footnote-ref-8)
9. ( 5) محاسن برقى، ج 1، ص 219، ح 141. [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 1) خصال، ص 218، ح 43. [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 2) تفسير قمى، ج 2، ص 258. [↑](#footnote-ref-11)
12. ( 3) مجمع البيان، ج 8، ص 526. [↑](#footnote-ref-12)
13. ( 4) الدر المنثور، ج 5، ص 352. [↑](#footnote-ref-13)
14. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش. [↑](#footnote-ref-14)